


Providing a strategic model of people's economic participation through the agility of the endowment sector of the Islamic Republic of Iran

Mehdi Mansouri

PhD Student, Public Administration, Firuzkoh Azad University, Firuzkoh, Iran.

mansoori_mehdi@ymail.com


 0000-0002-5042-6849

Ali Mehdizadeh Ashrafi

department of Management, Islamic Azad

University, Firuzkoh branch, Firuzkoh, Iran (Corresponding author).


mehdizadeh297@yahoo.com

 0000-0001-9871-2898

Ahmad Vedadi

Assistant Professor, department of Management, Islamic Azad university, Central Tehran branch, Tehran, Tehran, Iran.


ahvedadi@gmail.com

 0000-0003-1110-5281

Majid Jahangirfard

Assistant Professor, department of Management, Islamic Azad University, Firuzkoh branch, Firuzkoh, Iran.


Dr.jahangirfard@gmail.com

 0000-0003-2914-3569

Bahram Alishiri

Assistant Professor, department of Management, Islamic Azad university, South Tehran branch, Tehran, Iran.

Bahramalishiri1350@yahoo.com

 0000-0002-6485-1360

Abstract

Environmental changes and the ability to adapt to these changes are necessary for organizations to survive. Today, organizations are facing a changing environment, and organizations can achieve success if they can quickly respond to these changes and have agility. In the meantime, the main issue in the Awqaf organization is to identify the effective factors on agility in the direction of the development of people's economic participation; By identifying these factors through interpretive structural modeling, the synergistic relationship between the factors can be determined. In terms of the development goal and the method of data collection, in the qualitative part, the field method and qualitative in-depth interview tools were used, and in the quantitative part, field methods and questionnaire tools were used to identify the drivers of agility, and interviews with experts were used, and then to analyze the information in the qualitative part. Coding and confirmatory factor analysis, model fitting and structural and interpretive modeling have been used in the quantitative part for data analysis. This research, while designing a strategic model of people's economic participation through the agility of the endowment sector and stratification of the influencing factors in its formation, has been used. It has also determined the relationship between these factors with the (ISM) method; According to the opinion of research experts, eight factors (new fields, public opinion, low productivity, need and desire Mowqoom Alaihim, political pressures, waqf alternatives, the need for clarification and the expectations of the waqfs) were identified as the main drivers.

Keywords: People's economic participation, organizational agility, interpretive - structural model, endowment organization, Islamic Republic of Iran.

JEL Classification: H10, Z12

ارائه الگوی راهبردی مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی بخش وقف جمهوری اسلامی ایران

مهدی منصوری

دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، واحد فیروز کوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروز کوه، ایران.
mansoori_mehdi@ymail.com ID 0000-0002-5042-6849

علی مهدی‌زاده اشرفی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد فیروز کوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروز کوه، ایران (نویسنده مسئول).
mehdizadeh297@yahoo.com ID 0000-0001-9871-2898

احمد ودادی

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
ahvedadi@gmail.com ID 0000-0003-1110-5281

مجید جهانگیرفرد

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد فیروز کوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروز کوه، ایران.
Dr.jahangirfard@gmail.com ID 0000-0003-2914-3569

بهرام علیشیری

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Bahramalishiri1350@yahoo.com ID 0000-0002-6485-1360

چکیده

تغییرات محیطی و توانایی تطبیق با این تغییرات لازمه سازمان‌ها برای مانایی در عصر حاضر می‌باشد. با توجه به این شرایط، سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای خود را در حال فعالیت در محیط‌هایی می‌یابند که این محیط‌ها به‌شدت غیرقابل پیش‌بینی هستند.^۱ امروزه سازمان‌ها با محیطی در حال تغییر مواجه هستند و سازمان‌هایی می‌توانند به پیشرفت و موفقیت دست یابند که بتوانند به‌سرعت پاسخگوی این تغییرات بود و از سطح مناسبی از چابکی برخوردار باشند.^۲ در این بین مسئله اصلی در سازمان اوقاف شناسایی عوامل مؤثر بر چابک‌سازی سازمانی در راستای توسعه مشارکت اقتصادی مردمی است؛ تا با شناسایی این عوامل به‌وسیله مدل‌سازی ساختاری تفسیری ارتباط هم‌افزایانه بین عوامل مشخص گردد. از نظر هدف توسعه‌ای و روش جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی از روش میدانی و ابزار مصاحبه عمیق کیفی و در بخش کمی برای شناسایی پیشران‌های چابک‌سازی سازمانی از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استفاده شده و مصاحبه با خبرگان سازمان اوقاف استفاده گردیده و سپس برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی، از کدگذاری (روش کلارک و براون) و در بخش کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی، برازش مدل و مدل‌سازی

1. landon
2. Gomes

ساختاری و تفسیری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که افکار عمومی، انتظارات واقفان و خواست و نیاز موقوف علیهم با بیشترین قدرت نفوذ، زیربنا و محرک اصلی شکل‌گیری چابکی سازمانی در بخش وقف ج.ا.ایران می‌باشد و هرگونه اقدام برای ایجاد و ارتقای چابکی، مستلزم اصلاحات در این سه عامل است. عوامل پیوندی شامل عرصه‌های جدید، لزوم شفاف‌سازی و بهره‌وری پایین نیز با تعدد خود در این سیستم نقش حیاتی را بازی می‌کنند. عوامل فشارهای سیاسی و جایگزین‌های وقف نیز در این سیستم منفعل بوده و در ارتباط با مفهوم چابکی تحت تأثیر سایر عوامل است.

کلیدواژه‌ها: چابک‌سازی سازمانی، مشارکت اقتصادی مردمی، مدل ساختاری تفسیری، سازمان اوقاف، جمهوری اسلامی ایران.

طبقه‌بندی JEL: H10, Z12

شاپای الکترونیک: ۶۵۶۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

doi 10.22034/es.2024.444693.1741



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اقتصادی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه چابکی سازمانی از مباحث مهم مدیریتی به حساب می‌آید. چابکی دارای اهمیت فراوانی است؛ زیرا نتایج و موفقیت‌های سازمان‌های دولتی چابک جالب توجه و تحسین‌برانگیز است. چابکی به مفهوم کارا بودن در تغییرات و دادن پاسخ اثربخش به تغییر و عدم اطمینان محیطی است. چابکی واکنش‌پذیری در برابر تغییر (Gren & Lenberg, 2020) و یک راهبرد جدید است که به سازمان توانایی بقا و پیشرفت در محیط پیش‌بینی نشده را می‌دهد (Ahmadzadeh & et al, 2020). اگرچه خدمات دولتی از لحاظ تاریخی با کندی و دیوان‌سالاری همراه بوده است؛ اما سازوکارهای حاکم بر بخش خصوصی در حوزه مدیریت دولتی و در نهادهای دولتی نیز به میزان قابل توجهی، رایج گردیده است، ولی ترکیب مدل‌های مختلف چابکی ممکن است کیفیت ارائه خدمات در سازمان‌های دولتی را به میزان قابل توجهی بهبود بخشد (Varshney, 202).

بحث درباره مشارکت نه فقط در ادبیات توسعه اهمیت زیادی دارد بلکه اساساً می‌توان آن را فرایندی تلقی کرد که ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و ابعاد آن در طی زمان و برحسب الزامات دوره‌های مختلف تاریخ دگرگون و متکامل شده است. ایده مشارکت در معنای بسیط خود از مباحث مربوط به مردم‌سالاری نشئت می‌گیرد که سابقه آن را برخی به نظام سیاسی یونان باستان می‌رسانند و به اعتبار منابع موجود از آن دوره سابقه این بحث را دست‌کم می‌توان در دوران قبل از میلاد مسیح و در آثار افلاطون و ارسطو پیگیری کرد (رضائیان و دیگران، ۱۳۹۸). سازمان اوقاف و امور خیریه، یکی از نهادهای عمومی بزرگ در کشور به حساب می‌آید که در چهار حوزه: موقوفات، بقاع و اماکن متبرکه، فعالیت‌های قرآنی و امور خیریه فعالیت می‌کند. برای پاسخگویی و حضور هوشمندانه در محیط پُرتغییر، این سازمان به سمت چابکی در حرکت می‌باشد. برای سازمان اوقاف یکی از راه‌های دستیابی به چابکی مدنظر استفاده از ظرفیت امناء و مشارکت‌گیری از مردم جهت مدیریت موقوفات و بقاع متبرکه در سراسر کشور می‌باشد. طبق اعلام مدیران سازمان اوقاف و امور خیریه که با بهره‌مندی از سرمایه مناسب انسانی (بیش از ۴ هزار کارمند)، املاک و مستغلات فراوان در سراسر کشور، سازمان مذکور از کارایی لازم برخوردار نبوده، بهره‌وری پایین رقبات در سراسر کشور، انباشت وصول مطالبات از اشخاص حقیقی و حقوقی، عدم بروزرسانی بانک اطلاعاتی موقوفات، پرونده‌های حقوقی

گسترده و فرسایشی شده و تعداد زیاد اسناد اجاره منقضی شده از معضلات و دغدغه کنونی سازمان می‌باشد. از سوی دیگر عدم امکان جذب نیروی متخصص در سال‌های اخیر به لحاظ مشکلات قانونی، افزایش میانگین سنی و خدمتی کارکنان و عدم انگیزه در کارکنان بالأخص کارمندان در شرف بازنشستگی، عدم امکان تأمین نیازهای اجتماعی جامعه بدون مشارکت اقتصادی مردم و خیران بیش‌ازپیش آثار سوء کرختی وضع موجود را نمایان کرده است.

بنا بر آنچه اشاره شد به نظر می‌رسد واکنش به وضع موجود با الگوگیری از رویکردهای چابکی سازمانی و استفاده از نقش مکمل مردم امکان پذیر باشد؛ لذا نیاز به طراحی الگویی که مشارکت اقتصادی مردمی را از طریق چابک‌سازی افزایش دهد، احساس می‌گردد.

۱. مبانی نظری

مفهوم چابکی در سازمان‌ها به کارکرد تولیدی و مفهوم سیستم‌های تولید منعطف بازمی‌گردد. تولید چابک را می‌توان ناشی از خصوصیتی دانست که در طول قرن بیستم معرف تولید بودند؛ از جمله، عقلانیت، استانداردسازی و حذف عدم قطعیت‌ها (Obst & et al., 2005). طی چند سال اخیر موضوع چابکی به‌گونه شگفت‌آوری کانون توجه و مطالعه پژوهشگران مختلف در اقصی نقاط جهان قرار گرفته است به طوری که بوتانی (۲۰۰۸) مطرح می‌کند که علی‌رغم جدید بودن مفهوم چابکی، آثار و متون علمی در این زمینه بسیار فراگیر و پراکنده هستند. واژه «چابکی» در فرهنگ لغت به معنای حرکت سریع، چالاک، فعال و توانایی حرکت سریع و آسان و همین‌طور قادر بودن به تفکر سریع و با یک روش هوشمندانه، آمده است. در حوزه دانش مدیریت، چابکی به معنای توانایی هر سازمان در احساس، ادراک و پیش‌بینی تغییرات موجود در محیط کسب‌وکار است. چنین سازمانی باید بتواند تغییرات محیطی را تشخیص داده و به آن‌ها به‌عنوان عامل رشد و شکوفایی بنگرد (Stewart & Brown, 2009).

گلدمن و همکاران^۱ (۱۹۹۵) در تعریف چابکی سازمانی، آن را نوعی توانایی برای دستیابی به رشد اقتصادی در یک محیط رقابتی می‌داند که اصلی‌ترین خصیصه آن تغییرات دائم و غیرقابل پیش‌بینی است (ابوالقاسمی و دیگران، ۱۳۹۷). چابکی

1. Goldman

سازمانی با مقوله «تغییر و تحول»^۱ سروکار دارد که سازمان‌های امروزی نیز به دلیل واقع شدن در یک محیط پرتلاطم و سیال، همواره ناگزیرند خود را با این تغییرات وفق دهند. از طرف دیگر در هر سازمان، چابکی از جمله سازوکارهایی است که دائم باید مورد توجه باشد. برای کسب موفقیت در این محیط، چابکی یک مزیت رقابتی ایجاد می‌کند که می‌توان با شهرت در نوآوری و کیفیت آن را حفظ نمود (نظری و دیگران، ۱۳۹۷).

مفهوم چابکی با مفاهیمی از قبیل انعطاف‌پذیری، پاسخگویی و انطباق‌پذیری، شفافیت و همچنین با چگونگی آن‌ها مرتبط است. مفهوم چابکی، ترکیب هم‌افزایی ویژگی‌های سازمان است.

چابکی را می‌توان توانایی رونق و شکوفایی در محیط‌هایی که دارای تغییر مداوم و غیرقابل پیش‌بینی هستند تعریف کرد. از این رو، سازمان‌ها نباید از تغییرات محیط کاری خود هراس داشته و از آن‌ها اجتناب کنند بلکه باید تغییرات را فرصتی برای کسب مزیت رقابتی در محیط بازار تصور کنند (شعبانی‌نژاد، ۱۳۹۷). در واقع، چابکی نه تنها درگیر پاسخگویی به مشتریان است بلکه با بهره‌برداری و کسب مزیت از این تغییرات به‌عنوان فرصت نیز ارتباط دارد. به‌منظور پاسخگو نمودن سازمان‌ها، باید در چندین حوزه مثل توسعه محصول، ساخت و لجستیک، قابلیت‌های انطباق‌پذیری ایجاد گردد. در هریک از این حوزه‌ها، به شایستگی‌های خاصی برای فراهم‌آوردن قابلیت‌های ذکر شده نیاز است (ایران‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲).

به عقیده رامش و دواداسان^۲ (۲۰۰۷) بین سازمان‌های سنتی و سازمان‌های چابک در ویژگی‌هایی همچون ساختار سازمانی، سرمایه‌گذاری، کیفیت، وضعیت کارکنان، مشارکت کارکنان، وضعیت مدیریت، فناوری استفاده شده و... تفاوت وجود دارد. آن‌ها بیان داشتند که از لحاظ ساختار سازمانی، سازمان‌های سنتی از ساختار عمودی و سلسله‌مراتبی استفاده می‌کنند، در حالی که ساختار سازمانی سازمان‌های چابک مسطح و مبتنی بر کار گروهی است. برخلاف سازمان‌های سنتی که مشارکت کارکنان اندک، مهارت کارکنان بسیار کم، مدیریت دیکتاتوری و چرخه تولیدات محصول طولانی‌مدت و انعطاف‌ناپذیر است، جدول ذیل ویژگی‌های سازمان‌های سنتی و چابک را نشان می‌دهد.

1. Change

2. Ramesh & Devadasan

جدول (۱): ویژگی‌های سازمان‌های سنتی و چابک

ردیف	معیار تفاوت	سازمان سنتی	سازمان چابک
۱	ساختار سازمانی	عمودی و سلسله‌مراتبی	مسطح و مبتنی بر کار گروهی
۲	سرمایه‌گذاری	اندک	زیاد
۳	کیفیت	فروش و سود بیشتر	رضایت مشتری
۴	مهارت کارکنان	ضعیف	کارکنان یادگیرنده
۵	مشارکت کارکنان	کم	کارکنان توانمند
۶	وضعیت مدیریت	دیکتاتوری	مشارکتی
۷	مدیریت هزینه	سنتی و پرهزینه	مبتنی بر راهبرد، کیفیت و بهره‌وری
۸	خودکارسازی اداری	مستقیم و ثابت	انعطاف‌پذیر و سریع
۹	سطح فناوری	سیستم اطلاعاتی ضعیف و تکراری	استفاده از مهندسی فناوری اطلاعات
۱۰	مدیریت زمان	غیراثربخش	بسیار اثربخش
۱۱	چرخه تولید خدمت	طولانی و بدون انعطاف	کوتاه‌مدت و انعطاف‌پذیر
۱۲	روش تأمین منابع	فقط با قرارداد	اصول مدیریت زنجیره تأمین

منبع: (Ramesh & Devadasan, 2007)

با گسترش روزافزون روابط اجتماعی در ابعاد و سطوح مختلف آن، اهمیت اعتماد، انسجام و مشارکت مردمی (اجتماعی) در روابط اجتماعی، بیش از پیش نمایان می‌شود. تحقق توسعه پایدار، در گرو مؤلفه‌های اعتماد، انسجام و مشارکت مردمی شهروندان است و در مطالعات مختلفی تأثیر این متغیرها بر بهبود رضایت از زندگی، رفاه اجتماعی و سایر ابعاد زندگی اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است (لی و دیگران، ۲۰۱۸). مشارکت، حق انسانی است که به لحاظ غایتی، به آزادسازی و اعتماد به خویشتن انسان و از نظر ابزاری، به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایندهای عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود. در یک تعریف رایج، مشارکت به معنای بهادادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی آنان به منابع قدرت است. نفس‌کنش مشارکتی به نحو عام و مشارکت سیاسی به‌طور خاص،

به‌مثابه رکن بنیادی نظام‌های دموکراتیک محسوب می‌شود (رحمت‌الهی و آقامحمدآقایی، ۱۳۹۲).

در خصوص مشارکت باید به این نکته توجه داشت که مشارکت فرایندی مبتنی بر خرد جمعی است و رفتاری آگاهانه و داوطلبانه محسوب می‌شود که شرکت همه افراد ذی‌نفع در همه ابعاد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را دربرمی‌گیرد (برغمندی و عبدالهی، ۱۳۹۸).

اگرچه مشارکت تاریخچه‌ای طولانی و پیچیده دارد ولی در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت، می‌توان دو رویکرد عمده را تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان (شیانی و دیگران، ۱۳۹۱). در نگرش اول، مشارکت از حیث خرد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و موضوع بحث آن، مشارکت اعضای جامعه به‌صورت خرد در یک فعالیت اقتصادی است. در این مدل‌ها، از حالت‌های مختلف مشارکت بین بنگاه‌های اقتصادی بحث می‌شود.

اما رویکرد دوم مشارکت، به آن از منظر جمعی و اجتماعی نظر می‌افکنند و موضوع بحث آن، مشارکت اعضای جامعه، به شکل اجتماعی در حوزه اقتصاد است. این مدل‌ها، از رفتار اجتماعی اعضای یک جامعه، در قبال اهداف و حوزه‌های اقتصادی بحث می‌کنند و به حالت‌های مختلف مشارکت، که بین دو فرد می‌تواند به وقوع بپیوندد، نمی‌پردازند. در این رویکرد، مشارکت به فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که طی آن، اعضای جامعه در امور جامعه شرکت کرده و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (حسینی، ۱۳۹۸).

مشارکت، توسعه خوداعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی است. تجربه اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه در طی چند دهه اخیر نشان داده‌اند که به‌دلیل نادیده گرفتن مشارکت واقعی مردم نتوانسته‌اند در عمل به اهداف مورد نظر دست یابند. پیامد این عدم موفقیت، توجه اندیشمندان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی به موضوع مشارکت بوده است. مشارکت هم در بُعد ابزاری و هم در بُعد غایی خود مواجه با موانع و تنگناهایی است که به‌دلیل تفاوت ماهوی که این دو بُعد با یکدیگر دارند، موانع و تنگناهای مربوط به هر بُعد نیز تفاوت پیدا می‌کنند. ولی از آنجایی که مشارکت مؤثر و کارا، مشارکتی است که در آن به دو بُعد ابزار و هدف توجه گردد؛ شناسایی زمینه‌ها و موانع هر دو

بعد باید به صورت ترکیبی مورد توجه قرار گیرد (سفیری و تمیز، ۱۳۹۰). از طرف دیگر وقف یکی از موضوعات مهم در جامعه اسلامی به حساب می آید. نظام وقف، نه تنها موجب ساخت بسیاری از فضاها و عناصر باارزش شهرها بوده است بلکه پیوند نزدیک موقوفات با امور مذهبی، سبب ماندگاری فضاهای موقوفه شهری طی زمان شده است (هدایتی، ۱۳۹۱). پیوستگی وقف با اسلام باعث شده که توجه شایانی از سوی جامعه نسبت به آن به عمل آید؛ به طوری که در تاریخ دوره اسلامی مدارس علمیه، مساجد، تکایا، کاروانسراها، حمام‌ها و بازارچه‌های بسیاری دیده می‌شود که محصول وقف هستند (هدایتی، ۱۳۹۱).

وقف همواره ابزاری برای حل و فصل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، از جمله مبارزه با فقر، گسترش رفاه و امثال آن محسوب می‌شده است. تمدن اسلامی مدیون موقوفات عامه در طول تاریخ اسلام است. وقف از جمله موضوعاتی است که به رغم ظرفیت وسیع آن در شمول مباحث کاربردی اقتصادی، علمی، پژوهشی و اجتماعی، کمتر مورد تحقیق پژوهشگران قرار گرفته است و جز اندکی در بعد فقهی، در دیگر ابعاد آن، تحقیقات جامع علمی صورت نگرفته است. وقف به عنوان یک فعالیت فقهی حقوقی، علاوه بر رشد اقتصادی (افزایش تولید ناخالص ملی) با توجه به خدماتی که در بخش‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی قادر به انجام آن است در توسعه اقتصادی (تحول دگرگون‌ساز) در بنیان‌ها و نهادهای اقتصاد شهری نیز می‌تواند تأثیر بر جای بگذارد و مآلاً در توسعه شهری مؤثر واقع شود (هدایتی، ۱۳۹۱).

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش آمیخته اکتشافی است. مرحله اول شناسایی پیشران‌های چابک‌سازی سازمانی است که با تحلیل مضمون به دست آورده شد در ادامه برای تفسیر و مشخص کردن ارتباط بین عوامل و مشخص کردن نقش هر یک، از مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها، به ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است.

مدل‌سازی ساختاری تفسیری، رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه و مشارکت متخصصان، به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد و روشی مؤثر و کارا برای موضوعاتی است که در آن متغیرهای کیفی در سطوح مختلف اهمیت بر یکدیگر آثار متقابل داشته و می‌توان با استفاده از این روش، ارتباطات و وابستگی‌های بین متغیرها را کشف، تحلیل و ترسیم کرد. از این رو، سه گام اصلی در استقرار مطلوب

روش مدل‌سازی تفسیری - ساختاری حیاتی است که عبارت‌اند از: شناسایی متغیرهای کیفی، تعیین رابطه مفهومی با ISM و ترسیم شبکه تعاملات متغیرهای مورد مطالعه. جامعه مورد بررسی در بخش کیفی خبرگان بوده و به روش هدفمند تا رسیدن به نقطه اشباع داده به تعداد ۱۱ نفر انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته بوده و با روش کدگذاری کلارک و براون داده‌ها کدگذاری شدند، جامعه آماری در بخش کمی (مدل‌سازی ساختاری - تفسیری) ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی و مدیران عالی سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد که پرسشنامه مدل به‌وسیله آن‌ها تکمیل گردید. در تحلیل ساختاری - تفسیری به دلیل الزام به استفاده از شاخص مُد، نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند استفاده گردید.

۳. یافته‌های پژوهش

گام اول: شناسایی عناصر پیشران‌های چابک‌سازی با تأکید بر افزایش مشارکت اقتصادی مردمی

پیشران‌های چابک‌سازی با تأکید بر افزایش مشارکت اقتصادی مردمی در سازمان اوقاف و امور خیریه بر اساس مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با خبرگان و استخراج مضامین (کدگذاری)، به شرح زیر به‌دست آمد.

جدول (۲): مضامین فراگیر، سازنده و پیشران‌ها با تأکید بر مؤلفه‌های راهبرد

مشارکت اقتصادی مردم

پیشران‌ها	مضامین سازمانده	مضمون فراگیر
A17: برای موقوفاتی که واقفان وقف می‌کنند نیاتی در نظر گرفته‌اند که حتماً باید به آن نیات عمل شود.	انتظارات واقفان (قصد واقفان)	پیشران‌های چابک‌سازی مبتنی بر مشارکت اقتصادی مردم
A14: عواید موقوفات باید در راستای نیات مصرف شود نه در جای دیگر.		
A19: مصرف دقیق عواید موقوفات در راستای نیات واقفان الزامی است.		
A21: نمی‌شود که اوقاف بیاید نیات واقفان را تفسیر کند.		
A13: تفسیر به رأی توسط مدیران اوقاف در مورد		

پیشران‌ها	مضامین سازمانده	مضمون فراگیر
<p>وقف‌ها بسیار ناشایست است. A15: واقفان انتظار دارند دقیقاً به نیت آن‌ها عمل شود.</p>		
<p>A11: بایستی نیازهای اجتماعی درآید و این نیازها جایی که در وقف امکان دارد به آن‌ها توجه شود. A12: در هر زمانی عام‌المنفعه متفاوت باشد باید الآن مصادیق جدید عام‌المنفعه احصا و به آن‌ها پرداخته شود. A19: از یک‌طرف بایستی نیات واقفین به خوبی عمل شود و از طرف دیگر باید به آنچه که امروز مصادیق نیات واقفان است توجه شود.</p>	<p>نیاز و خواسته‌های موقوف علیهم</p>	
<p>A13: نمی‌شود که اوقاف مثل یک تاریکخانه فرض شود و بگوییم به کسی ربطی ندارد و خودمان تصمیم می‌گیریم. A16: فقط اعتنا به اینکه اعتماد هست پس ما آدم‌های خوبی هستیم تصمیم درستی بگیریم کافی است این‌طوری نمی‌شود. A19: صفر تا صد تصمیمات باید شفاف در اختیار عامه مردم باشد تا هرکسی بخواهد به آن دسترسی شود. A17: عواید و مصارف موقوفات باید اطلاع‌رسانی دقیق و عمومی شود. A20: اینکه امامزاده‌ها چقدر عواید و مصارف داشته‌اند لازم است همه به‌صورت شفاف اطلاع داشته و دسترسی داشته باشند.</p>	<p>لزوم شفاف‌سازی</p>	
<p>A13: امروزه مواردی پیش آمده که می‌توانیم از آن‌ها به‌عنوان جایگزین وقف نام ببریم مثل هبه کردن. A18: الآن برخی از خیران رأساً به مدیریت آنچه می‌خواهند وقف کنند اقدام می‌کنند. A19: برخی از خیریه‌ها امروزه عملاً کار وقف را</p>	<p>جایگزینی‌های وقف</p>	

پیشران‌ها	مضامین سازمانده	مضمون فراگیر
<p>انجام می‌دهند.</p> <p>A21: تعداد قابل توجهی از وقف‌نامه‌ها به شکل رسمی ثبت نمی‌شود بلکه به صورت غیررسمی انجام می‌شود تا مدیریت موقوفات در اختیار خودشان باشد.</p>		
<p>A11: الآن می‌بینیم که اجاره‌بها در املاک وقفی بسیار متفاوت از اجاره‌بهای املاک دیگر است این بایستی مورد توجه قرار بگیرد و بایستی درآمد مناسبی از اجاره‌بها به دست آید.</p> <p>A12: برخی از مطالبات اوقاف نزد نهادهای مختلف وجود دارد که مانده و دست‌دست می‌شود و باعث شده بهره‌وری موقوفات پایین بیاید.</p> <p>A15: بعضی از مطالباتی که اوقاف پیش مردم دارد بایستی حتماً وصول شود وگرنه این موقوفات کارآیی لازم را نخواهند داشت.</p> <p>A17: چقدر زمین اوقافی وجود دارد که خیلی از آن‌ها بهره‌برداری مناسبی از آن‌ها نمی‌شود.</p> <p>A21: وجود املاک فراوان و بدون کاربری مفید و ارزشمند باعث شده خیلی از موقوفات کارآمدی لازم را نداشته باشند.</p>	بهره‌وری پایین موقوفات	
<p>A11: الآن مثل قبل نیست که فقط وقف به چند مورد خاص محدود شود الآن می‌توان وقف پول داشت و می‌توان پول را وقف کرد تا در راستای نیات واقف استفاده شود.</p> <p>A12: الآن بازار سرمایه یک واقعیت در جامعه ماست امکان دارد بشود سهام را وقف کرد.</p> <p>A18: وقف مشارکتی یکی از نیازها و عرصه‌هایی است که الآن باید به آن توجه شود.</p>	عرصه‌های جدید (بازارهای جدید)	
<p>A12: الآن نمایندگان مجلس روزی نیست که در خصوص عملکرد اوقاف فشار نیاورند.</p> <p>A15: امروزه اوقاف تحت فشار طرح‌هایی مثل طرح</p>	فشارهای سیاسی	

پیشران‌ها	مضامین سازمانده	مضمون فراگیر
تحقیق و تفحص مجلس قرار دارد. این فشارهای سیاسی را نمی‌شود نادیده گرفت. A19: امروزه احزاب مختلف برای جلب حمایت‌های مادی به شدت فشار می‌آورند. A20: امروزه نهادهای نظارتی به شدت تمرکز کرده‌اند برای انتشار اطلاعات و ریز گزارشات.		
A12: افکار عمومی به شدت نسبت به وقف حساس است حتماً باید افکار عمومی مدیریت شود. A16: باید افکار عمومی مدیریت شود تا تصویر روشنی از عملکرد اوقاف پیش عامه مردم ایجاد شود. A17: وقتی به افکار عمومی توجه نمی‌شود نگاه مثبت به عملکرد اوقاف نخواهد شد. A18: الآن مثل گذشته نیست که بگوییم همه نسبت به اوقاف نظر مثبت دارند و این کافی است بلکه باید حتماً به افکار عمومی توجه شود.	افکار عمومی	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

عناصر شناسایی شده:

بر اساس مصاحبه با خبرگان و کدگذاری مصاحبه‌ها، عناصر ذیل به‌عنوان پیشران‌های راهبردی مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی بخش وقف جمهوری اسلامی ایران، استخراج گردید:

۱. انتظارات واقفان (قصد واقفان)؛
۲. نیاز و خواست‌های موقوف علیهم؛
۳. لزوم شفاف‌سازی؛
۴. جایگزینی‌های وقف؛
۵. بهره‌وری پایین موقوفات؛
۶. عرصه‌های جدید (بازارهای جدید)؛
۷. فشارهای سیاسی؛
۸. افکار عمومی.

گام دوم: تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

پس از شناسایی مؤلفه‌های الگوی راهبردی مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی بخش وقف یک ماتریس مربع 6×6 از مؤلفه‌های موجود طراحی می‌شود. این ماتریس در واقع همان پرسشنامه مدل ساختاری - تفسیری است. این پرسش‌نامه در واقع برای گردآوری دیدگاه خبرگان استفاده گردید و رابطه مؤلفه‌ها دو به دو بررسی شد. در ماتریس، مؤلفه‌ها می‌توانند رابطه دوسویه یا یک‌سویه داشته باشند یا اینکه اساساً هیچ رابطه‌ای باهم نداشته باشند. انواع روابط میان متغیرها در مدل‌سازی ساختاری - تفسیری به صورت زیر است:

نماد V: مؤلفه i بر مؤلفه j تأثیر دارد.

نماد A: مؤلفه j بر مؤلفه i تأثیر دارد.

نماد X: مؤلفه i و مؤلفه j متقابلاً بر یکدیگر تأثیر دارند.

نماد O: مؤلفه i و مؤلفه j هیچ ارتباطی باهم ندارد.

در این پژوهش پرسش‌نامه توسط ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی تکمیل گردید و از خبرگان خواستیم درباره تأثیر هر مؤلفه بر مؤلفه دیگر با استفاده از نمادهای تعریف شده نظر بدهند. به دلیل اینکه روابط معکوس بین مؤلفه‌ها، از اطلاعات مثلث بالای قطر اصلی ماتریس، قابل جمع‌آوری است؛ لذا تکمیل مثلث بالای قطر اصلی ماتریس کفایت می‌کند و قطر اصلی را می‌توان خالی در نظر گرفت. برای تجمیع دیدگاه خبرگان نمی‌توانیم از میانگین نظرات آن‌ها استفاده کرد؛ زیرا ماتریس نهایی باید صفر و ۱ باشد؛ بنابراین بهترین راه استفاده از فراوانی و مد می‌باشد (حبیبی؛ ایزدیار و سرافرازی، ۱۳۹۳).

در جداول برای شناسایی بهتر مؤلفه‌ها از هم هر کدام از آن‌ها را با نمادهای C1 تا C6 در ردیف‌های سطر و ستون نمایش می‌دهیم. در انتهای این مرحله بر مبنای مد در فراوانی‌ها، نظرهای خبرگان در خصوص تأثیر هر مؤلفه بر مؤلفه دیگر بررسی شد و اطلاعات حاصله مطابق جدول شماره سه جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل گردید.

جدول (۳): ایجاد ماتریس خود تعاملی مؤلفه‌های راهبرد مشارکت اقتصادی مردم

مؤلفه	نام متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8
C1	عرصه‌های جدید		X	A	A	V	V	A	V
C2	افکار عمومی			V	X	V	V	X	A
C3	بهره‌وری پایین				A	V	V	X	V
C4	نیاز و خواست موقوف علیهم					V	V	X	V
C5	فشارهای سیاسی						X	V	A
C6	جایگزین‌های وقف							X	V
C7	لزوم شفاف‌سازی								A
C8	انتظارات واقفان								

منبع: (یافته‌های پژوهش)

گام سوم: تشکیل ماتریس‌های دستیابی اولیه

در ادامه پژوهش با تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک، ماتریس دستیابی اولیه به دست می‌آید. برای استخراج ماتریس دستیابی اولیه در هر سطر ماتریس خود تعاملی به جای نمادهای X و V از عدد یک و به جای نمادهای A و O از عدد صفر استفاده می‌شود.

ماتریس به دست آمده مطابق جدول شماره چهار ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد. ماتریس دستیابی اولیه نشان می‌دهد که آیا می‌توان از یک متغیر سطری به متغیر ستونی در امتداد یک مسیر پیوسته و جهت‌دار «دسترسی» پیدا کرد. ماتریس دستیابی اولیه، دسترسی برای همه مسیرها را با طول صفر و طول ۱ توصیف می‌کند (Watson, 1978).

جدول (۴): تشکیل ماتریس دستیابی اولیه مؤلفه‌های راهبرد مشارکت اقتصادی مردم

مؤلفه	نام متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8
C1	عرصه‌های جدید	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	
C2	افکار عمومی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	
C3	بهره‌وری پایین	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰
C4	نیاز و خواست موقوف علیهم	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
C5	فشارهای سیاسی	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱
C6	جایگزین‌های وقف	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱
C7	لزوم شفاف‌سازی	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱
C8	انتظارات واقفان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱

منبع: (یافته‌های پژوهش)

گام چهارم: تشکیل ماتریس دستیابی نهایی

پس از تشکیل ماتریس دستیابی اولیه، باید سازگاری درونی آن برقرار شود؛ به‌عنوان نمونه اگر مؤلفه i منجر به مؤلفه j شود و مؤلفه j منجر به مؤلفه k گردد پس می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه i نیز منجر به k می‌شود؛ و اگر در ماتریس دستیابی اولیه این حالت برقرار نبود، باید اصلاح شده و روابطی که از قلم‌افزاده جایگزین شوند و رابطه ثانویه را نیز نشان داد. معمولاً این اصلاح در ماتریس دستیابی نهایی، با نماد $\ast 1$ مشخص می‌گردد.

در این مرحله از پژوهش دو مورد روابط ثانویه مشاهده گردید که در ماتریس دستیابی اولیه اصلاح گردید. مطابق جدول شماره چهار علاوه بر سازگاری ماتریس دستیابی اولیه، قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر مؤلفه مشخص می‌شود. قدرت نفوذ همان میزان تأثیرگذاری یک مؤلفه بر مؤلفه‌های دیگر است که از جمع اعداد هر سطر برای هر مؤلفه در ماتریس دستیابی نهایی لحاظ می‌گردد. میزان وابستگی هم مقدار تأثیرپذیری یک مؤلفه از سایر مؤلفه‌های دیگر را نشان می‌دهد که از جمع اعداد هر ستون در ماتریس دریافتی نهایی برای هر مؤلفه به‌دست می‌آید.

جدول (۵): تشکیل ماتریس دستیابی نهایی مؤلفه‌های راهبرد مشارکت اقتصادی مردم

مؤلفه	نام متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	میزان نفوذ
C1	عرصه‌های جدید	۱	۱	*۱	۰	۱	۱	۰	۱	۷
C2	افکار عمومی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
C3	بهره‌وری پایین	۱	*۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۵
C4	نیاز و خواست موقوف علیهم	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
C5	فشارهای سیاسی	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۲
C6	جایگزین‌های وقف	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
C7	لزوم شفاف‌سازی	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۳
C8	انتظارات واقفان	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۴
میزان وابستگی		۴	۵	۵	۲	۷	۶	۳	۴	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

گام پنجم: تشکیل مجموعه‌های دستیابی، پیش‌نیاز و مشترک

به‌منظور تعیین سطح مؤلفه‌ها در مدل نهایی، به ازای هر یک از آن‌ها باید

مجموعه‌های دستیابی، پیش‌نیاز و مشترک تعیین شود. مجموعه دستیابی (اثرگذاری یا خروجی‌ها) هر مؤلفه، شامل مؤلفه‌هایی می‌شود که از طریق این مؤلفه‌ها می‌توان به آن رسید که شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد و مجموعه پیش‌نیاز (اثرپذیری یا ورودی‌ها) شامل مؤلفه‌هایی می‌شود که از طریق آن‌ها می‌توان به این مؤلفه رسید که شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. مجموعه مشترک از اشتراک دو مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز به دست می‌آید پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر مؤلفه، عناصر مشترک شناسایی گردید.

گام ششم: تعیین روابط و سطح‌بندی بین مؤلفه‌ها

بعد از انجام مراحل قبل باید تعیین سطح هر مؤلفه را انجام بدهیم. اولین مؤلفه‌هایی که مجموعه مشترک آن‌ها با مجموعه دریافتی آن‌ها یکسان می‌باشد، در سلسله‌مراتب مدل ساختاری - تفسیری به‌عنوان مؤلفه‌های سطح اول (بالا یا تأثیرپذیر) مدل خواهند بود. یعنی به این معنی که این مؤلفه‌ها بر سایر مؤلفه‌های دیگر تأثیر کمتری دارند. پس از شناسایی مؤلفه‌های بالاترین سطح، آن مؤلفه‌ها از فهرست مجموعه‌های دستیابی، پیش‌نیاز و مشترک سایر مؤلفه‌های دیگر کنار گذاشته می‌شود. این تکرارها تا زمانی که سطح همه مؤلفه‌ها مشخص شود، ادامه پیدا می‌کند؛ سطوح شناسایی شده در این پژوهش در ساخت مدل نهایی استفاده گردید. همان‌طور که در جدول زیر ملاحظه می‌شود، در تکرار سطح اول، مؤلفه‌های محرک‌های اجتماعی و ویژگی‌های رفتاری در اولین سطح مدل ساختاری - تفسیری قرار گرفتند و در این مرحله از جدول خارج شدند و یا به عبارتی حذف شدند. پس مدل با حذف این دو مؤلفه وارد تکرار دوم می‌شود.

جدول (۶): تکرار سطح اول از مؤلفه‌های راهبرد مشارکت اقتصادی مردم

مؤلفه	نام متغیر	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح
C1	عرصه‌های جدید	۱-۲-۳-۵-۶	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳	
C2	افکار عمومی	۱-۲-۳-۴-۵-۶	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	
C3	بهره‌وری پایین	۱-۲-۳-۵-۶	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳	
C4	نیاز و خواست موقوف علیهم	۱-۲-۳-۴-۵-۶	۲-۴	۲-۴	
C5	فشارهای سیاسی	۵-۶	۳-۴-۵-۶	۵-۶	۱

مؤلفه	نام متغیر	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح
			۱-۲		
C6	جایگزین‌های وقف	۵-۶	۳-۴-۵-۶ ۱-۲	۵-۶	۱
C7	لزوم شفاف‌سازی	۱-۳	۵-۶-۷-۸	۱-۳	
C8	انتظارات واقفان	۴-۸	۴-۲	۴-۸	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

مطابق جدول شماره هفت در مرحله تکرار سطح دوم، مؤلفه‌های عرصه‌های جدید و بهره‌وری پایین و لزوم شفاف‌سازی در سطح دوم مدل قرار گرفتند و از جدول حذف شدند.

جدول (۷): تکرار سطح دوم از مؤلفه‌های راهبرد مشارکت اقتصادی مردم

مؤلفه	نام متغیر	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح
C1	عرصه‌های جدید	۱-۲-۳	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳	۲
C2	افکار عمومی	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	
C3	بهره‌وری پایین	۱-۲-۳	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳	۲
C4	نیاز و خواست موقوف علیهم	۱-۲-۳-۴	۲-۴	۲-۴	
C7	لزوم شفاف‌سازی	۱-۳	۵-۶-۷-۸	۱-۳	۲
C8	انتظارات واقفان	۴-۸	۴-۲	۴-۸	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

در نهایت مطابق جدول شماره هشت سه مؤلفه باقیمانده نیاز و خواست موقوف علیهم، انتظارات واقفان و افکار عمومی به‌عنوان اثرگذارترین مؤلفه‌ها در سطح سوم مدل قرار گرفتند.

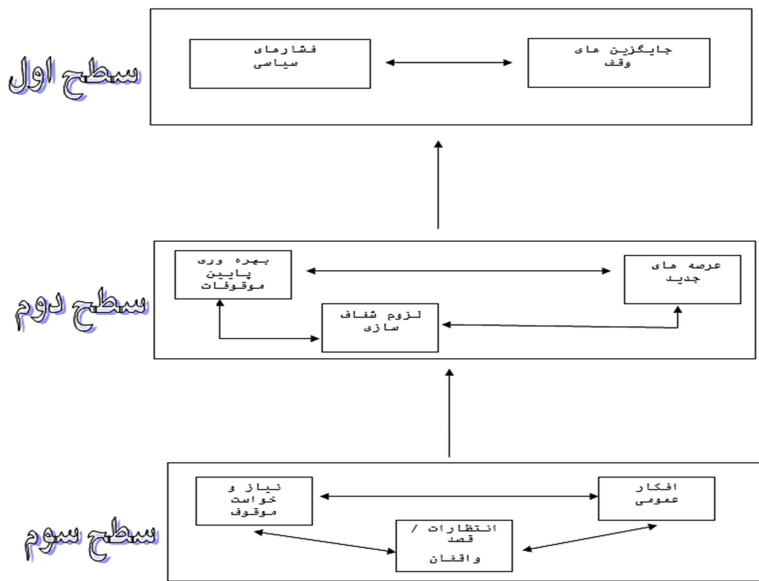
جدول (۸): تکرار سطح سوم از مؤلفه‌های راهبرد مشارکت اقتصادی مردم

مؤلفه	نام متغیر	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح
C2	افکار عمومی	۴	۴	۴	۳
C4	نیاز و خواست موقوف علیهم	۴	۴	۴	۳
C8	انتظارات واقفان	۴	۴	۴	۳

منبع: یافته‌های پژوهش

گام هفتم: ترسیم مدل ساختاری - تفسیری و شبکه تعاملات

الگوی نهایی مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی شامل سلسله‌مراتب قرار گرفتن مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر و روابط بین آن‌ها در سه سطح تعیین شده که در شکل زیر مشاهده می‌گردد.



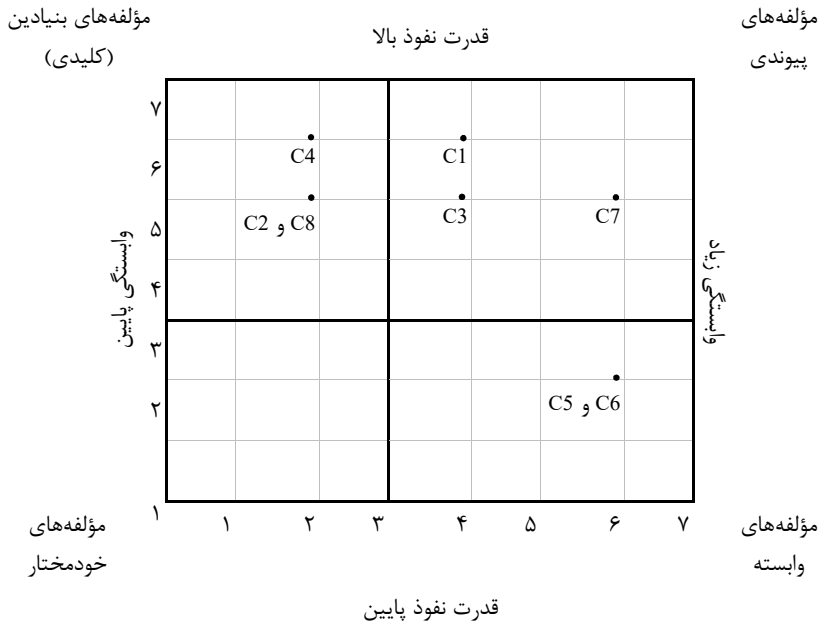
شکل (۱): الگوی راهبردی مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی بخش وقف جمهوری اسلامی ایران

گام هشتم: تحلیل نمودار قدرت نفوذ - وابستگی

در مدل ساختار - تفسیری روابط متقابل و تأثیرگذاری بین مؤلفه‌ها و ارتباط سطوح مختلف آن‌ها به‌خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری

به‌وسیله مسئولان می‌شود. نمودار قدرت نفوذ - وابستگی برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌ها در ماتریس دستیابی نهایی تشکیل می‌شود. هر دو مدل ساختاری - تفسیری و نمودار قدرت نفوذ - وابستگی فرایندهای محاسباتی مشابهی دارند؛ اما مدل ساختاری - تفسیری فقط می‌تواند به ما کمک کند تا روابط مستقیم بین مؤلفه‌ها را درک کنیم؛ زیرا فقط سلسله‌مراتب ساختار را نشان می‌دهد؛ اما نمودار قدرت نفوذ - وابستگی یک ابزار تجزیه‌وتحلیل برای طبقه‌بندی مؤلفه‌ها بر اساس روابط پنهان و غیرمستقیم است (Chao & et al, 2010).

بر اساس قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌ها، می‌توان دستگاه مختصاتی تعریف کرد و آن را به چهار قسمت خودمختار، وابسته، پیوندی و بنیادین تقسیم نمود. تجزیه‌وتحلیل نمودار قدرت نفوذ - وابستگی بر پایه قدرت نفوذ (تأثیرگذاری) و میزان وابستگی (تأثیرپذیری) هر مؤلفه شکل گرفته و امکان بررسی بیشتر محدوده هر یک از مؤلفه‌ها را فراهم می‌سازد. در ناحیه خودمختار مؤلفه‌ها میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارند. در ناحیه وابسته مؤلفه‌ها دارای وابستگی قوی و قدرت هدایت ضعیف هستند. در ناحیه بنیادین (کلیدی) مؤلفه‌ها دارای وابستگی کم و قدرت هدایت بالا می‌باشند. در نهایت در ناحیه پیوندی مؤلفه‌ها از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند. همان‌طور که در شکل زیر ملاحظه می‌گردد مؤلفه‌های فشارهای سیاسی و جایگزین‌های وقف در ناحیه وابسته، مؤلفه‌های عرصه‌های جدید وقف، لزوم شفاف‌سازی و بهره‌وری پایین در ناحیه پیوندی و مؤلفه افکار عمومی، انتظارات واقفان و نیاز و خواست موقوف علیهم در ناحیه بنیادین (کلیدی) قرار گرفته است.



شکل (۲): سطح بندی پیشران‌های چابک‌سازی مبتنی بر مشارکت اقتصادی مردم در بخش وقف با استفاده از روش MICMAC

نتیجه‌گیری

چابک‌سازی مفهومی است که از پیچیدگی بالایی برخوردار بوده و با نگرش سیستمی نیاز به توجه همه عوامل اثرگذار در این مفهوم می‌باشد. همچنین توجه به ارتباط بین عوامل مؤثر بر چابک‌سازی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

این پژوهش ضمن طراحی الگوی راهبردی مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی بخش وقف و سطح بندی عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آن با روش ساختاری تفسیری (ISM) ارتباط بین این عوامل را نیز مشخص کرده است؛ مطابق نظر خبرگان پژوهش هشت عامل (عرصه‌های جدید، افکار عمومی، بهره‌وری پایین، نیاز و خواست موقوف علیهم، فشارهای سیاسی، جایگزین‌های وقف، لزوم شفاف‌سازی و انتظارات واقفان) عنوان پیشران‌های اصلی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی مردم در چابک‌سازی مشخص گردید.

این پژوهش بینش جدیدی در خصوص راهبرد مشارکت اقتصادی مردم از طریق چابک‌سازی بخش وقف جمهوری اسلامی ایران ارائه نموده و از آنجایی که منطق این

روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بر پایه تجزیه و تحلیل سیستم‌هاست عواملی که بیشترین تأثیر را در چابک‌سازی مبتنی بر مشارکت مردم در این سازمان داشته را به‌عنوان پیشران از نظر خبرگان پژوهش معرفی می‌نماید. نتایج مطالعه مشخص کرده است که عوامل افکار عمومی، انتظارات واقفان و خواست موقوف علیهم عواملی هستند که از نظر تأثیر مستقیم، روابط بین مؤلفه‌ها و سلسله‌مراتب ساختار روابط، در پایین‌ترین سطح (سطح سه) قرار داشته و بیشترین تأثیر مستقیم را بر بقیه عوامل پیشران دارد. از نظر قدرت نفوذ که با در نظر گرفتن روابط پنهان و غیرمستقیم، نوع عامل را مشخص می‌کند، این عوامل از جمله افکار عمومی، جزء عوامل بنیادی به حساب می‌آیند. عوامل بنیادی عواملی هستند که بین همه عوامل بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را دارا هستند؛ اما عوامل سه‌گانه عرصه‌های جدید وقف، شفاف‌سازی و بهره‌وری پایین جزء عوامل پیوندی هستند. این عوامل هم تأثیرپذیری بالا و هم تأثیرگذاری بالا را میان عوامل مختلف دارا هستند. به عبارت دیگر این عوامل از عوامل مهم پیشران چابک‌سازی مبتنی بر افزایش مشارکت اقتصادی مردم هستند که نقش عمده در افزایش فشار سیاسی و... دارند و هم از عوامل دیگر از جمله انتظارات واقفان بیشترین تأثیر را می‌پذیرند و در نهایت عوامل فشار سیاسی و جایگزینی وقف جزء عوامل سطح اول و از نظر قدرت نفوذ از عوامل وابسته به حساب می‌آیند.

این عوامل از عوامل دیگر از جمله افکار عمومی، بهره‌وری پایین و... بیشترین تأثیر را می‌پذیرند؛ اما تأثیر کمی بر سایر عوامل دارند. نتایج پژوهش در بخش قدرت نفوذ نشان داد که عوامل خودمختار در چابک‌سازی بخش وقف در راستای افزایش مشارکت اقتصادی مردمی وجود ندارد؛ البته برای ایجاد تغییر و ارتقاء عامل چابکی در اوقاف و امور خیریه باید توجه داشت که بایستی به همه عوامل استخراجی توجه شود زیرا همه عوامل استخراجی به‌عنوان پیشران به‌دست آمده‌اند؛ لذا بیان عامل خودمختار با معنی نخواهد بود. به بیان دیگر در مدل‌سازی ساختار تفسیری بر روابط سیستمی و روابط متقابل توجه می‌شود.

پیشنهادات سیاستی

با توجه به اینکه - طبق نتایج پژوهش - افکار عمومی جزء عوامل بنیادی - که بر بقیه عناصر و پیشران‌های تأثیرگذارند - شناخته شد به مدیران عالی سازمان اوقاف و امور خیریه پیشنهاد می‌شود نسبت به توجه و اقناع افکار عمومی و مدیریت صحیح

آن در جهت افزايش مشاركت اقتصادي مردمی توجه ویژه داشته باشند. یافته‌های پژوهش نشان داد که انتظارات و خواست واقفان از عناصر کلیدی است، مدیران بخش وقف بايستی به روشنی و دقت سياست اجرای امینانه خواست و نیت واقفان خیراندیش را سرلوحه اقدامات و فعالیت‌های خود قرار دهند. با توجه به نیازهای مهم و جدیدی که در جامعه مطرح است پیشنهاد می‌شود مدیران بخش وقف نیازهای بهره‌مندان از وقف را به‌درستی احصا و مشارکت مردم خیرین را به سمت نیازهای ملموس جامعه و بهره‌مندان از موقوفات هدایت نمایند.

فهرست منابع

- ابوالقاسمی، مهدیه؛ شریفی، علی اصغر و ایمانی، محمدنقی (۱۳۹۷). ارائه مدلی جامع برای چابک‌سازی ادارات آموزش و پرورش کشور. *پژوهش در نظام‌های آموزشی (ویژه‌نامه)*، ۹۰۱-۹۲۶.
- ایران‌زاده، سلیمان؛ فتاحی سرنده، وحید و طاحونی، عبدالوحید (۱۳۹۲). ارزیابی تولید چابک در گروه‌های مختلف صنایع کوچک و متوسط استان آذربایجان شرقی بر اساس قابلیت‌های چابکی به روش topsis فازی. *مدیریت بهره‌وری*، ۷(۲۶)، ۱۵-۴۱.
- برغمدی، هادی و عبدالمهدی، عادل (۱۳۹۸). تحلیل فازی مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲(۱)، ۶۹-۹۰.
- حبیبی، آرش؛ ایزدیار، صدیقه و سرافرازی، اعظم (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چند معیاری فازی. *رشت: انتشارات کتیبه گیل*.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۸). الگوی مشارکت مردم در اقتصاد، با تأکید بر اندیشه امام خمینی. *فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۱).
- رحمت‌الهی، حسین و آقامحمدآقایی، احسان (۱۳۹۲). درآمدی بر نقش دولت در فرایند مشارکت‌پذیری مردم. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۵(۳)، ۶۷-۱۰۸.
- سفیری، خدیجه و تمیز، رقیه (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳(۳)، ۱۲۱-۱۳۵.
- شعبانی‌نژاد، محمدرضا و چنگیزی، حمیدرضا (۱۳۹۷). *چابک‌سازی، کلید تحول سازمان و نیروی انسانی*. تهران.
- شیانی، ملیحه؛ رضوی الهاشم، بهران و دلپسند، کامل (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران. *نشریه*

مطالعات شهری، سال دوم، (۴)، ۲۱۵-۲۴۰.

نظری، شهرام؛ حسینی، حیدر و مرادعلی‌زاده، بهناز (۱۳۹۷). ارتباط بین یادگیری سازمانی و مدیریت دانش با چابکی سازمانی. مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، ۵(۳)، ۱۱-۲۰.

هدایتی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، مروری اجمالی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی وقف (نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها). فصلنامه میراث جاویدان، ۱۷(۶۷)، ۷۶-۷۹.

- Ahmadzadeh Beheshti, S.; Alizadeh Ajirlo, S.; Babapour, J. & Hami, A. (2020). Investigating the effect of plants using in the educational and play environment on creativity improvement of child. *Journal of Modern Psychological Researches*, 15(59), 127-141.
- Arteta, B.M. & Giachetti, R.E. (2004). A measure of agility as the complexity of the enterprise system. *Robotics and Computer-Integrated Manufacturing*, (47), 495-503.
- Bottani, E. (2008). On the assessment of enterprise agility: issues from two case studies. *International journal of logistics: Research and Applications*, (00), 1-18.
- Chiu, J. C.; Lan, Y. F.; Chang, C. M.; Chen, X. Z.; Yeh, C. Y.; Lee, C. K.,... & Cheng, W. H. (2010). Concentration effect of carbon nanotube based saturable absorber on stabilizing and shortening mode-locked pulse. *Optics express*, 18(4), 3592-3600.
- Goldman, S. L.; Nagel, R. N. & Preiss, K. (1995). Agile competitors and virtual organizations. *Manufacturing review*, 8(1), 59-67.
- Gren, L. & Lenberg, P. (2020, April). Agility is responsiveness to change: An essential definition. In Proceedings of the 24th International Conference on Evaluation and Assessment in Software Engineering (pp. 348-353).
- Obst, P. L. & White, K. M. (2005). An exploration of the interplay between psychological sense of community, social identification and salience. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 15(2), 127-135.
- Ramesh, G. & Devadasan, S. R. (2007). Literature review on the agile manufacturing criteria. *Journal of Manufacturing Technology Management*. 18(2), 182-201.
- Stewart, F. & Brown, G. (2009). *Fragile States. CRISE (Department of International Development, University of Oxford)*.
- Varshney, M.; Parel, J. T.; Raizada, N. & Sarin, S. K. (2020). Initial psychological impact of COVID-19 and its correlates in Indian Community: An online (FEEL-COVID) survey. *PloS one*, 15(5), e0233874.
- Watson R. (1978). Interpretive Structural Modeling-A useful tool for Worth Assessment, (11), 167-185.

